

ژئوتوپ ماندگار نمونه اصیل منظر و محیط‌زیست طبیعی (نمونه موردی کوه‌ریگ مهریز استان یزد)

فرزانه‌السادات دهقان^{۱*}، سیدامیر منصوری^۲

۱. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه فنی حرفه‌ای یزد

۲. دکتری مطالعات شهری با گرایش منظر، استادیار گروه معماری منظر، دانشگاه تهران، پژوهشکده نظر، تهران.
seyedamir.mansouri@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹

چکیده

برخی از مناظر طبیعی ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که باعث جذب و تعاملات انسانی می‌شوند. کمبود مطالعات تخصصی در حوزه منظر، بی‌توجهی به شناخت این مناظر، تغییرات و مداخلات نابجای انسانی در تعامل و بهره‌برداری از آن‌ها، این مناظر را، دچار آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر می‌کند؛ و به از دست دادن این مناظر طبیعی، هویتی، فرهنگی و همچنین فرصت‌های غنی وابسته به آن‌ها می‌انجامد. هدف این پژوهش بررسی ژئوتوپ‌های ماندگار و در نهایت ارائه مدلی برای ارتقای کیفی منظر کوه‌ریگ مهریز است. روش پژوهش میدانی و پدیدارشناسی، هرمنوتیک بوده است که محقق با استفاده از مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک، به تحلیل مناظر منحصر طبیعی و کوه‌ریگ پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، مناظر خاص، زمینه پیدایش باورهای غریب و شکل‌گیری فرهنگ‌هایی را متناسب با نوع، خواص، تأثیرات طبیعت و همچنین ذهنیات و باورهای مردمی به وجود می‌آورند. این گونه ژئوتوپ‌ها و مناظر منحصر طبیعی، در امتزاج ذهنیات و تعاملات مردم، به تدریج به مناظری ماندگار در اذهان مردم مبدل خواهند شد؛ که نمودی از فرهنگ و هویت آن فضا است. از سویی شناخت و حفظ منابع طبیعی، نقش بسزایی در سلامت محیط‌زیست و بهره‌وری صحیح آن دارد؛ بنابراین، مؤلفه‌های ماندگاری آن‌ها باید در هر شرایطی بقا یابد.

کلیدواژه

ارتقای کیفی، ژئوتوپ ماندگار، کوه‌ریگ، مناظر منحصر طبیعی

۱. سرآغاز

عناصر منظر، به همراه ذهنیات و باورهای مردمی مشخص‌کننده نوع تعاملات مردم با این مکان است. لزوم حفظ این پدیده‌های خارق‌العاده و منحصر، به همراه عوامل ذهنی و فرهنگی مردم، تفاسیر، داستان‌سرایی‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌های آنان پیرامون موضوع، بسیار حائز اهمیت است (حاج‌علیلو و نکویی‌صدر، ۱۳۹۰). امروزه با گسترش صنایعی چون اکوتوریسم^۱، ژئوتوریسم^۲، آگروتوریسم^۳، ارکتولوژی‌کال‌توریسم^۴، توریسم سلامت، توریسم فرهنگی ... برخی از این پدیده‌ها شناسایی شدند افراد و گروه‌های

منابع طبیعی، بخش ارزشمند و مهم محیط‌زیست به شمار می‌آیند. محیط‌زیست سالم در گروهی منابع طبیعی سالم و بهره‌وری دوسویه از آن است؛ تعامل با پدیده‌های طبیعی منحصر و فرازمینی، در جهان (به علت داشتن کالبد یا خواص خاص، یا توأمان) رابطه معناداری را به وجود می‌آورد. تحقیقات نشان داده که ارتباط تنگاتنگی میان اغلب چنین مظاهر طبیعی‌ای با سابقه فرهنگی و انسانی آن‌ها وجود دارد (Asrat & Zwoliński, 2012). ماهیت

این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی‌ارشد فرزانه‌السادات دهقان با عنوان «طراحی منظر کوه‌ریگ شهرستان مهریز استان یزد» است که به راهنمایی دکتر سیدامیر منصوری در دانشگاه تهران انجام شده است.

ژئوتوپ «کوه‌ریگ»، واقع در شهرستان مهریز استان یزد، به‌عنوان نمونه موردی، انتخاب شده است. این اثر از جمله میراث‌های طبیعی خاصی است که به واسطه عدم شناخت و سوء مدیریت، دستخوش اعمال تغییرات نابجای انسانی شده است که بدون بهره‌وری کارآمد و متناسب با ظرفیت‌های محیط، آن را به اضمحلال کشانده است. با توجه به مباحث مطرح شده این مقاله به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

چه رابطه‌ای میان ویژگی‌های طبیعی کوه‌ریگ مهریز با سیر تعاملات انسانی است؟
 نشانه‌های منظرین وجود منظر آیینی- فرهنگی در کوه‌ریگ مهریز چیست؟
 چه معیارهایی در نحوه مداخلات و توسعه کیفی منظر کوه‌ریگ مهریز، می‌توان ارائه داد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. رابطه پدیده‌های طبیعی خاص و فرازمینی با

انسان

بی‌تردید پدیده‌ها و عناصر طبیعی با آدمی در ارتباط هستند. پدیده‌های طبیعی و فرازمینی متعددی در ایران و جهان وجود دارد که انسان را مجذوب خود می‌کند؛ و انگیزه بیشتری را برای تقاضای گردشگران ایجاد می‌کنند (Law, 2002). این مناظر خارق‌العاده، به‌مرورزمان با ذهنیات انسانی پیوند می‌خورند. اسطوره‌ها، داستان‌سرایی و «باور عامیانه پدیده‌ای روحی- اجتماعی است؛ که معلول زندگی آدمی و عکس‌العمل او در مقابله و جدال با طبیعت و محیط اسرارآمیز پیرامون وی است» (اله‌امی، ۱۳۸۶). افسانه‌ها و اساطیر، از طبیعت و ذهن انسان بدوی نشئت گرفته؛ که تلاشی در ایجاد صلح روحی میان طبیعت و خودش بوده. او همواره در ارتباط با قدرت‌های می‌نویست (ترقی، ۱۳۷۰) که اغلب خاستگاهش طبیعت است. قدیمی‌ترین سرگذشت خدایان و کهن‌ترین توجه به آفرینش، طبیعت و انسان به صورت افسانه و اساطیر آمده

مختلف از آن استقبال کردند. در عصر حاضر، اهمیت شناخت و حفاظت از این مناظر به جایی رسیده که غیر از رویکردهای عام اکوتوریستی، واژه ژئوتوریسم نیز مطرح شد. ژئوتوریسم شکل نسبتاً جدیدی از گردشگری با پتانسیل شناخت و معرفت از پدیده‌هاست، که ابعاد مختلف علمی، انسانی و رشد را، کانون توجه قرار داده است (Thomas & Hose, 2014). گسترش این صنایع، منافع بسیاری چون سلامتی محیط‌زیست و انسان، جلوگیری از تخریب اکولوژیکی، ساختار فرهنگی و اجتماعی و... را در بر دارد (مقصودی و نکویی‌صدر، ۱۳۸۶). مطالعه روی مناظر فرازمینی و ژئوتوپ‌ها از جهت‌های گوناگون مهم است و جای بحث بسیاری دارد؛ زیرا این‌گونه مناظر هم در جهان، دارای تنوع‌اند و هم ابعاد مختلف علمی آن‌ها گستره بالایی دارد. توجه به این پدیده‌ها و مناظر، برای شناخت و فهم آن‌ها به‌منظور شناخت بهتر، برنامه‌ریزی و آغاز ساماندهی گردشگری در مکان (Bansal et al., 2004)؛ و ورود آن در علم منظر، به‌منظور ارتقای کیفی محیط، بهره‌برداری به‌جا و آگاهانه متناسب با محیط، ضمن حفاظت و ماندگاری‌شان؛ ضروری است. خلأ شناخت کلی و مطالعات تخصصی، کاربردی و موردی بر مناظر منحصر طبیعی و تعاملات انسانی با آن‌ها، سوء مدیریت، باعث بروز مداخلات و تغییرات آسیب‌زننده در این‌گونه مناظر شده است. چنین معرفت و شناختی، در گام نخست به‌منظور تعیین خط‌مشی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و نحوه مداخلات و ساماندهی‌هاست. گستره چنین آسیب‌هایی نه تنها در ابعاد کالبدی و محسوس صورت می‌گیرد بلکه، ابعاد ذهنی، غیرکالبدی و نامحسوس را نیز در بر می‌گیرد؛ از این‌رو ماندگاری اثر را تضعیف می‌کند. همچنین بسیاری از ریشه‌های هویتی محو و فرصت‌های غنی طبیعی، فرهنگی و انسانی وابسته به آن‌ها، به مخاطره می‌افتد. از این‌رو، ضرورت مطالعه این مناظر خاص طبیعی، امری حیاتی به نظر می‌آید. این پژوهش دیدگاه جدیدی را در حوزه منظر طبیعی معرفی کرده است. در پژوهش حاضر،

عجایب، به شکل داستان‌سرایی و رواج اسطوره‌ها بین مردم رشد می‌کرد و در باور آنان جای می‌گرفته؛ به تعبیری ویژگی‌های طبیعی (کالبدی و غیرکالبدی) مناظر منحصر، ظرفیت معناگیری را در آن‌ها بالا می‌برده است. این مناطق جایگاه خدایان بود که به‌منظور دفع بلاها، رفع بحران‌ها و رسیدن به خواسته‌ها، با مراسم خاص و اعمال عبادی همراه می‌شد (نک، ناصح، ۱۳۵۷)؛ یا از جنبه منفی، در مناطق وهم‌آلود، ناشناخته و ناآشنا به جایگاه موجودات ماورایی چون، جن و پری، غول، دیو مبدل می‌شده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۲). تفکرات تخیلی و ذهنیات، به‌مرور به باور و اعتقادات مردمی مبدل می‌گشته که در اشعار هم به آن‌ها اشاره شده است (نک، زرین‌کوب، ۱۳۷۴). حتی اثر تعاملات انسانی با مناظر خاص طبیعی و معناگیری آن در نزد مردم، در برخی اسامی شهرت یافته این پدیده‌ها متبلور شده است؛ به‌گونه‌ای که اسامی برخی از آنان، هاله‌ای از خواص خاص اثر و تصورات و باورهای مردم را نسبت به آن، در ذهن تداعی می‌کند. ترقی (۱۳۷۰) معتقد است امروزه دیگر این اسطوره‌ها بر زندگانی انسانی حاکم نیستند؛ و چون پدیده ناشناخته به اعماق تاریک روان و اجتماع، پس‌رانده شده‌اند.

است. اسطوره‌ها در واقع، دین و دانش و مجموعه‌ای از اعتقادات و جهان‌بینی انسان نخستین است (یا حقی، ۱۳۶۹)؛ منوچهری‌کوشا، (۱۳۹۱)؛ که بیشتر جنبه شهودی و نمادین دارند (یا حقی، ۱۳۶۹). به اعتقاد ولادیمیر پرات و لوی استراوس؛ اسطوره‌ها، ارتباط تنگاتنگ و علت و معلولی با آیین‌های باستانی دارند. الیاده نیز معتقد است، انسان دینی، در پرتو اسطوره‌ها شاهد تجلی سخن است (علمی، ۱۳۹۳)؛ او انسان دینی را وابسته به اسطوره می‌داند (علمی، ۱۳۹۳)؛ عیفی، (۱۳۷۴). قهرمان اسطوره‌ها، موجودات فرازمینی و ایزدان‌اند، رویدادهایش آسمانی (نک، اسماعیل‌پور، ۱۳۸۲)، و نقش‌آفرینانش نیز عناصر فرازمینی‌اند (نک، ابراهیمی، ۱۳۸۹)؛ که تمام یا بخشی از واقعیت‌ها را می‌سازند (Eliade, 1963). از این‌رو پیدایش آن‌ها در مناظر فرازمینی طبیعی، دور از انتظار نیست. در زمان باستان، قدرت عناصر و مظاهر طبیعی، مناظر فرازمینی، خاص و خارق‌العاده موجب بهت و حیرت مردم می‌شده است. آن‌ها که از تحلیل عقلی ظهور حوادث و پدیده‌ها، و درک روابط علی و معلولی، عاجز بودند؛ ناچار برای آن‌ها علت و معلولی مانند خود انسان ذی‌روح و موجودات ماورایی قائل می‌شدند (راوندی، ۱۳۵۶). به‌مرور این پدیده‌ها و

جدول ۱. معرفی برخی پدیده‌های منحصر طبیعی و فرازمینی تاریخی در محدوده ایران

نام مکان	موقعیت جغرافیایی اثر
کوه میان تهی زندان سلیمان یا زندان دیو	منطقه تخت سلیمان تکاب در جنوب آذربایجان غربی
دره ستاره یا استار کفته	جزیره قشم
چاه دریا	کویر اطراف رفسنجان کرمان
شیروان دره	جنوب شرقی مشکین شهر در استان اردبیل، دامنه جنوبی سبلان
حمام دیوها	ارتفاعات نمک‌آبرود در استان مازندران
کوه باستانی جم (پردیس)	شهرستان جم در استان بوشهر
باداب سورت	روستای سورت در جنوب شهرستان ساری، استان مازندران
کلوت‌های شهداد	شمال شرقی شهداد در استان کرمان

(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۴)

از علاقه‌مندان تاريخ زندگى بشر و تحولات انسانى حائز اهميت‌اند (رامشت و همكاران، ۱۳۸۸).

۲.۲. آشنائى با پديده كوهريگ (sand Ramp) و

مشخصات عمومى آن

كوهريگ‌ها تراكمى از ماسه‌هاى بادى در دامنه كوه‌ها هستند؛ كه پيدائش آن‌ها محصول چند منشأ است (مهرشاهى، ۱۳۷۹). در شكل‌گيرى اين پديده‌هاى طبيعى، باد در درجه نخست اهميت قرار دارد، ولى ديگر فرايندها نظير فرايندهاى دامنه‌اى و آبى در تكامل آن نيز دخالت دارند (مهرشاهى، ۱۳۹۰). آنچه موجب تثبيت لايه‌هاى ماسه‌بادى بر دامنه مى‌شود، وجود لايه‌هاى متعدد رسوبات آوارى «زاويه‌دار» (فراهم آمده توسط پديده يخبندان شديد و ذوب) و آبى در ساختمان، و بستر آن‌هاست. مهم‌ترين تفاوت كوهريگ‌ها با ديگر تلماسه‌هاى بادى دامنه‌اى در همين موضوع است كه تلماسه‌هاى بادى فاقد رسوبات ديگرى است و تنها از رسوبات بادى تشكيل شده است (مهرشاهى، ۱۳۷۹) (شكل ۱).

فايوسولا و گى (۱۳۹۰) مى‌نويسند: «در بسيارى از فرهنگ‌ها، داستان‌سرايى روشى سنتى براى [توصيف و] آموزش ديگران است». حاج‌عليلو و نكويى‌صدر (۱۳۹۰) نيز در كتاب خود آورده‌اند: به‌منظور تسهيل درك طبيعت براى همگان، تفسير به روش‌هاى چون داستان‌سرايى، به توصيف و درك بيشتر همگانى يارى مى‌رساند؛ و راهى براى رمزگشائى پديده‌هاست. به‌رحال افسانه‌ها و اسطوره‌ها در هر جامعه‌اى وجود داشته و يكى از سازه‌هاى مهم فرهنگ بشرى است (ياحقى، ۱۳۶۹). وجود آن‌ها در مكان‌هاى خارقالعاده طبيعى، نمايانگر عمق تعاملات مردم با طبيعت، بينش و هويت برجائى مانده اقوام است. بنابر اين، اين مناظر به‌رغم جنبه‌هاى گردشگرى و علمى، از جنبه تاريخى، فرهنگى (ثروتى و قاسمى، ۱۳۸۷) و هويتى هم بسيار حائز اهميت‌اند. در جدول ۱ به برخى مناظر از اين دست، كه منجر به داستان‌سرايى و اسطوره‌سازى شده‌اند، اشاره شده است.

از نمونه‌هاى بارز اين مناظر فرازمينى چهره‌هاى فرسائى‌اند؛ كه كوهريگ‌ها نمونه‌اى از اين مناظر است. اين مناظر، از نظر تاريخى، طبيعى و فرهنگى براى بسيارى



شكل ۱. كوهريگ بغداد آباد مهربز در استان يزد

مأخذ: <http://seeiran.ir>. بازيايى شده در تاريخ ۰۳/۰۳/۱۳۹۴

توسط باد با ناهموارى‌ها برخورد مى‌كند، ماسه‌ها ممكن است در جهت باد يا پشت به باد متراكم شوند (همان). هرگونه به‌هم خوردگى بافت و لايه‌هاى تثبيت شده سطحى در اين كوهريگ‌ها مى‌تواند به تبعات غيرقابل پيش‌بينى منفى

ثبات طبيعى اغلب اين كوهريگ‌ها در شرايط اقليمى حاضر بيان مى‌كند كه اين‌ها بازمانده‌اى از زمان‌هاى گذشته يعنى تقريباً بين ۱۷۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ سال قبل، هستند (مهرشاهى، ۱۳۷۹). در نواحى كه مسير جابه‌جائى ماسه

روانی)، هم از نظر فیزیکی و هم متافیزیکی، در ابعاد مختلف انسانی اثر مثبت بر هم دارد.

۴.۲. عناصر اصلی مناظر ژئوتوپ‌های ماندگار و روابط میان آن‌ها

به‌منظور ارتقای کمی و کیفی در مناظر فرازمینی و اسطوره‌ای، شناخت عناصر اصلی، روابط میان آن‌ها و معیارهای ماندگاری‌شان ضروری به نظر می‌آید. براساس تحقیقات میدانی و علمی-تاریخی به عمل آمده از کوه‌ریگ و برخی دیگر از ژئوتوپ‌های ماندگار، چنین پدیده‌های ماندگاری، دارای چندین معیار مشترک‌اند (شکل ۲) که باید برای حفاظت، بقا و ماندگاری آن‌ها تلاش کرد.



شکل ۲. مدل عناصر و معیارهای اصلی مناظر ژئوتوپ‌های ماندگار.

مأخذ: نگارنده

- پدیده‌ای متشکل از سیستم و عناصر طبیعی
- دارای صورتی استثنایی و منحصر با اهمیت علمی^۷
- (حاج‌علیلو و نکویی‌صدر، ۱۳۹۰)
- دارای تاریخ فرهنگی، آیینی یا اسطوره‌ای (پیوند خورده با باورها و ذهنیات انسانی و خاطرات)
- جذاب و متحیرکننده به علت صفات ظاهری، ذاتی خاص و هویت آن («مکان‌های دارای اهمیت ملی که همچون نماینده‌ای از پدیده‌ها، وقایع، یا فرایندهای زمین‌شناختی و پایه‌ای برای درک و شناخت تاریخ زمین‌شناختی به کار می‌روند»^۸ (همان)).
- دارای تأثیرات و خواص ویژه ذاتی-طبیعی در تحریک احساسات، ذهنیات و حالات درونی (روحی و روانی) و جسمی انسانی و موجودات زنده

بیانجامد (مهرشاهی، ۱۳۹۰) و باید به‌طورکلی از ایجاد هرگونه دخل و تصرف غیرمنطقی و مصنوعی که موجب به حرکت درآمدن و تخریب کوه‌ریگ‌ها می‌شود، خودداری شود (مهرشاهی، ۱۳۷۹).

۳.۲. خواص منحصر فیزیکی و متافیزیکی کوه‌ریگ مهریز

از نظر فیزیکی و متافیزیکی کوه‌ریگ دارای خواص پیشگیری از بیماری درمانی، ارتقا دهنده حالات مثبت جسمی، روحی، روانی و پرورشی دارد. افراد حین بالا رفتن از انباشته ریگ‌ها در زمان‌های مختلف حالات مختلفی در درون خود تجربه می‌کنند؛ که در سلامتی جسمی، روحی و روانی فردی و اجتماعی، آنان مؤثر است. تا کنون در هر دوره‌ای بخشی از تأثیرات سلامت‌بخش کوه‌ریگ، از ابعاد مختلف فیزیکی و متافیزیکی توسط مردم درک یا شناخته شده است. اسناد علمی، تاریخی، فرهنگی، آگاهی از تفکرات و ذهنیات مردم و جذب انبوهی از مردم در برخی زمان‌ها به کوه‌ریگ (با وجود کاستی‌ها و نارضایتی‌های زیاد از مداخلات و بی‌کیفیتی ناشی از عدم مدیریت و برنامه‌ریزی)، گویای محبوبیت کوه‌ریگ در نظر مردم و ادراک برخی خواص مثبت فیزیکی و متافیزیکی آن است. به‌طورکلی، درمان افسردگی و تقویت قوای روشن‌فکری و زیبایی‌شناسی، از جمله منافع اکوتوریسم و ژئوتوریسم است (مقصودی و نکویی‌صدر، ۱۳۸۶). تحقیقات نشان داده که بین اختلال جسمی و روانی رابطه مثبتی وجود دارد (Eastwood & Trevelyan, 1972). به عبارتی این موضوع اثبات‌کنش و تأثیر جسم و روان را آشکار می‌سازد. تغییر جزئی در سلامت یکی از آن‌ها، یعنی جسم، روان و روح، به‌طور حتم بر سلامت دیگری تأثیر می‌گذارد (وثیق‌زاده، ۱۳۹۴). عملکرد ابعاد جسمی، روحی و روانی انسان در قالب یک سیستم به هم پیوسته است که برهم کنش و تأثیر دارد. بنابراین تأثیرات سلامت‌بخش کوه‌ریگ (مثل آرامش بخشی، نشاط‌آوری، تقویت قوای تخیل و خلاقیت، شهود، و مباحث درمانی جسمی و

نکته مهم اینجاست که، مداخلات نابجا و اختلال‌های غیرطبیعی یا ناگهانی در هر یک از این عناصر و سیستم آن، باعث کاسته شدن درجه ماندگاری ژئوتوپ‌ها خواهد شد. در مقابل این موضوع، سیاست‌های حفاظتی از عناصر اصلی این سیستم، تقویت ظرفیت، خواص ویژه و پتانسیل‌های مکان، پدیدارشناسی علمی، شناساندن و معرفی عمومی این سیستم، بقا و ماندگاری ژئوتوپ را افزون خواهد کرد.

۳. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی مناظر فرازمینی و منحصر، بیشتر از جنبه‌های گردشگری و تماشایی معرفی شده‌اند. در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ هم کتاب‌هایی از سوی سازمان زمین‌شناسی و اکتشاف معدن، با عنوان «اطلس میراث زمین‌شناختی ایران» و «نمونه‌های زمین‌شناختی» به چاپ رسیده‌اند؛ که در آن به معرفی و بررسی پدیده‌های ارزشمند و چشمگیر زمین‌شناختی ایران می‌پردازد. کتاب دیگر منتشر شده از سوی این سازمان «ژئوتوریسم (زمین گردشگری)» است که به معرفی و مشخصاتشان در جهان به‌خصوص اروپا و چین می‌پردازد. در دهه‌های اخیر مطالعات و تحقیقات جداگانه‌ای بر پدیده‌های طبیعی فرازمینی، در حوزه‌های مختلف زمین‌شناختی، جغرافیایی، اکولوژیکی، تاریخی و باستانی، و صناعی چون اکوتوریسم، ژئوتوریسم و... صورت گرفته است. مهرشاهی (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان «کوه‌ریگ شناسی مطالعات موردی در استان یزد» انجام داده است. که هدف این مقاله بررسی ساختار جغرافیایی این پدیده است. شریفی‌پیچون و دهقان (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان ارزیابی فرایندهای مؤثر بر شکل‌گیری و تحول کوه‌ریگ (مطالعه موردی: کوه‌ریگ تنگ حصار) انجام داده‌اند که هدف این پژوهش بررسی عارضه کوه‌ریگ به‌منظور شناخت شرایط و محیط شکل‌گیری و فرایندهای مؤثر در تشکیل آن‌ها است. در حیطه پژوهش‌های مناظر، تنها به مفاهیمی کلی از منظر طبیعی و فرهنگی - طبیعی، بدون بیان جزئیات در شاخه‌ها و عناصر

اصلی آن‌ها اشاره شده است. نیاز به پژوهش‌های جامع و کارآمد در این حوزه، به‌خصوص در شناخت و فهم، معرفی، و تبیین مفاهیم خرد و شاخه‌های مناظر خاص طبیعی، فرازمینی و ژئوتوپ‌ها، و بهره‌برداری صحیح از آن‌ها، کاملاً محسوس است؛ که تا کنون هنوز به آن پرداخته نشده است. سابقه مطالعات نشان می‌دهد اغلب خواص و تأثیرات ویژه این مواریث طبیعی، همچنان ناشناخته مانده است و از دیرباز تنها بیش‌تر از دیدگاه تاریخی و اسطوره‌ای به آن‌ها توجه می‌شده؛ که هم‌اکنون واقعیت و چرایی برخی رویدادها و داستان‌ها نیز، همچنان در هاله‌ای از ابهام ناشناخته مانده‌اند.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که مناظر خاص طبیعی و «کوه‌ریگ» را، از جهات گوناگون پدیدارشناسی و تحلیل کرده است. بدین صورت که محقق با مصاحبه مردمی و افراد آگاه و متخصص در این زمینه و تجربه و مشاهده، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است و از سویی با نگاه به جوانب تاریخی، فرهنگی و دگردیسی‌های رفتاری مردم در زمان‌های مختلف، و چگونگی، چرایی و محرک‌های انگیزشی تعامل مردم با اثر و روابط میان آن‌ها، به تحلیل نمونه کوه‌ریگ پرداخته است. غالب این تحقیق به صورت میدانی و پدیدارشناسی هرمنوتیک، انجام شده و همچنین بخشی از اطلاعات پژوهش نیز به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵. یافته‌های مربوط به سؤال نخست: چه رابطه‌ای میان ویژگی‌های طبیعی کوه‌ریگ مهریز با تعاملات انسانی است؟

کوه‌ریگ، نظرگاه تاریخی - فرهنگی و خاطره‌انگیز شهرستان مهریز است. منظر کوه‌ریگ زاده کنار هم آمدن و امتزاج چندین عنصر مهم کالبدی، ذهنی و ماورایی، و

۱.۱.۵. تقدس و معنویت کوه‌ریگ مهریز

گذشته از تقدس کوه‌های خاص، کوه‌ها صاحب خلوت معنوی خاصی‌اند و نیروهای خاصی به همراه دارند که در برخی (مثل کوه‌ریگ) به علل مختلف (چون بستر ریگی) این نیروهای مثبت بیشتر است و موجب آرامش انسان و رشد ذهنی و معنوی فراینده‌اند. از آنجا که کوه به آسمان نزدیک‌تر است، حد فاصل یا مرز جهان خاکی و مینوی است؛ و صاحب قداست دوگانه‌ای است. بنابر طبیعت ذاتی کوه‌ها، آن‌ها از رمزپردازی فضایی، علو و رفعت دارا هستند؛ از سویی، علی‌الطلاق، قلمرو تجلیات قداست، آثار جوی و به این اعتبار جایگاه خدایان‌اند (الیاده، الف، ۱۳۷۲). اعتقاد به وجود ایزدان و خدایان از دیگر کارکردهای اساطیری کوه است که آن را در هاله‌ای از تقدس فرو برده است (مدبری و کمانگیر، ۱۳۸۳). کوه در آیین قبایل و اقوام قدیم عالم، جایگاه مقدسان، عابدان و حتی خدایان بوده؛ و از عناصر مهم اساطیر در سراسر جهان بوده است (قریشی، ۱۳۸۰). «خدایان مسیح در وادها، با یاری نیروهای طبیعی و فرهنگی یک پرستشگاه عمومی ایجاد می‌کنند» (یعقوبی‌جامی، ۱۳۸۹)؛ که کوه یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. بیشتر پیامبران نیز آیین خود را از کوه بر آدمیان نازل کردند و ارتباطات غیبی و رخدادهای ماورایی آنان در کوه‌هایی که وضعیت مثالی یافتند، برقرار شده است. عابدان، زاهدان و مردم بسیاری در ادیان مختلف با خدا بر فراز کوه به ارتباط معنوی پرداختند (مدبری و کمانگیر، ۱۳۸۳). در گذشته‌های دور راه صعود انسان ابتدایی به بهشت و آسمان برین از طریق کوه یا درخت یا گیاهی که زمین و آسمان را به هم پیوند می‌داد، صورت می‌گرفت (مختاری، ۱۳۷۹). کوه‌های اسطوره‌ای گذرگاه بهشت و دوزخ، سرچشمه آب‌ها و نگهدار اصل گیاهان و مظهر باروری و برکت‌اند که اعتقاد به آن‌ها در عقاید باستان نیز مشاهده می‌شود (مسکوب، ۱۳۵۷). اصولاً تقدس کوه چندان به عظمت آن ارتباط ندارد (مدبری و کمانگیر، ۱۳۸۳)، بلکه عوامل ذهنی و طبیعی دیگری در تکوین نقش آن‌ها و قدسیته‌شان دخیل بوده است.

اعتقادی است. درک رابطه معنای کوه‌ریگ در ذهن عامه با منظر طبیعی آن، به‌منظور شناخت، مداخله، تصمیم‌گیری و توسعه کمی و کیفی محیط از اهمیت فراوانی برخوردار است. شواهد منظرین کوه‌ریگ و محدوده اطراف آن، حاکی از گرایش بالا و ارتباطات معنادار مردم و باورهای آنان، با این پدیده طبیعی، از زمان باستان تا به حال، است. این مکان طبیعی، همواره بستر زیستی سلامت‌بخش، سازنده و تعالی‌بخش برای مردمان بوده است. شرایط خاص (کالبدی و غیرکالبدی) این پدیده و تصورات ذهنی، آیینی و باوری نهادینه مردم، موجب پیدایش داستان‌ها، اسطوره‌ها و باورهای نسبت به آن شده است. برحسب ماهیت مکان و نگرش‌های مردم، اغلب این‌گونه محیط‌ها، به مکان‌هایی آیینی، تبدیل شده است که به‌مرور در حال تکامل است. نوع تعاملات مردم با کوه‌ریگ در گذر زمان بر حسب ذهنیات، نگرش‌ها، شناخت مردم، و مداخلات ایجاد شده، با دگردیس‌هایی همراه بوده است. براساس شواهد منظرین، این جاذبه طبیعی که با باورهای مردمی انطباق یافته، به مکانی مقدس و نیایشگاهی برای طلب حاجات و دوری از بلا یا تبدیل شده است. ازاین‌رو، در کوه‌ریگ نیز مردم در ازای نیل به اهداف خود و برآورده شدن نیازهای آیینی و اعتقاداتشان، به درگاه خدایان و قدیسان، نذر و قربانی می‌دادند. امروزه با تغییرات مداخلات ایجاد شده در کوه‌ریگ و تغییر نگرش‌های مردمی، از بعد بارز آیینی آن کاسته شده؛ و رویکرد مراجعه مردم رنگ دیگری به خود گرفته است. تحقیقات میدانی صورت گرفته از علت حضور غالب مراجعان به این مکان نشان داده، به‌رغم تماشای خاص و منحصر بودن ژئوتوپ، افراد سودها و منافع را هنگام تعامل با این مکان می‌برند. این منافع و بهره‌وری یا به صورت آگاهانه، یا به صورت ادراکی از دریافت انرژی مثبت و تخلیه انرژی‌های منفی، توسط افراد است.^۸ اغلب، تأثیرات این نوع حالات مثبت، سلامت‌ساز و منفعت‌طلبانه در انسان، تقریباً مقارن با همان تأثیرات آیینی ارتقادهنده در گذشته است.

۲.۱.۵. جاذبه منحصر به فرد طبیعی و فرازمینی مهریز

کالبد متفاوت این اثر، جاذبه اولیه جذب و توجه مردمان و وابستگی های ذهنی و اسطوره ای آن ها، بدان بوده است. از آنجا که باورداشتند مهر از کوه زاده شده و در کوه می میرد، از این رو به علت طلوع مهر از جلوی کوه، و غروب آن در پشت این کوه و کوه های هم جوار، این اعتقاد کاملاً نمود عینی پیدا کرده است. جلوه گری متمایز ریگ ها از زمینه، و چهره های فرسایش بادی دیگر مثل کوه اشترخرما^۱ در کنار آن (شکل ۱)، برانگیزاننده تصورات و تخیلات مردم و باورهای آنان است. به فراخور این موضوع، از آنجایی که این پدیده در باور مردم و آیین مردم ریشه داشته و هم در شهر نمود عینی آن جلوه گر بوده؛ در هویت و بعد خاطرانگیزی شهروندان نیز نقش بسزایی داشته است.

۳.۱.۵. موقعیت جغرافیایی بستر کوه ریگ مهریز

این پدیده طبیعی از یک سو رو به شهر دارد و از جوانب دیگر، توسط بستری طبیعی متشکل از کوه و دشتی کوچک، احاطه شده است. این بستر طبیعی دشت نیز هنگام رسیدن به بالای کوه قابل نظاره است که قوتی فزاینده از نظر ذهنی و آیینی به مخاطبان بخشیده است. چنانکه در مهریشت آمده: مهر دارنده دشت های فراخ را می ستاییم که بر سرزمین های آریایی خانمان خوش و سرشار از آرامش و سازگاری بخشد.

۴.۱.۵. خواص منحصر کوه ریگ مهریز برای سلامتی و**مهیا کردن فرصت تزکیه نفس**

انسان برای تهذیب نفس و طی کردن مراتب سیر و سلوک، در بدو ورود به بسیاری از آیین های کهن چون مهر و فرقه های تصوف، مستلزم انجام تمرینات بدنی، روانی و ریاضت بوده است. حرکت در راه های صعب العبور طبیعی، اصولاً خودش نوعی سیر و سلوک عرفانی محسوب می شود. حرکت در این مسیرها و مأمن گزیدن در اماکن غاری شکل، دنج، دارای سکوت معنوی و غیره در کوه از

دیگر راه های سیر و سلوک معنوی بوده و همچنان وجود دارد. چنانکه در آیین های دارای کتاب نیز پیامبران و عرفا در کوه به مناجات، تهذیب نفس و تمرینات بدنی چون روزه می پردازند. این شرایط ریاضت و تزکیه، در حرکت روبه بالا و مأمن گزیدن در ریگ های عمیق کوه ریگ و شیار کوه، حاصل شده است. بالا رفتن از کوه ریگ در ظاهر کار آسانی است، در صورتی که این حرکت سخت، اما بسیار ترغیب کننده، لذت بخش، آرامش دهنده و تسکین بخش جسم، روح و روان و همچنین درمانگر است. علت این امر مهیا شدن نظم هالک بدن و شرایط همه جانبه سلامتی جسمی، روحی و روانی بدن در اثر بالا رفتن از کوه ریگ و امتزاج سه عاملیت اصلی طبیعی؛ یعنی کوه، ریگ و مناظر طبیعی زمینه است. مردم به طور ذاتی و حسی در ارتباط با کوه ریگ، تأثیرات مثبت آن را حس می کنند. چنین آثاری حین ارتباط با کوه ریگ، موجب امتداد گرایش ها مردم تا امروز به آن شده است.

۵.۱.۵. وجود شرایط آرام بخشی و پایشگر کوه مهریز و**تقویت ادراک شهودی در انسان**

دیدن کوه ریگ مهریز و حضور در آن در نظر بسیاری از مردم، خود نمایش جلوه حق و آیه ای از وجود و قدرت خداست. که این جلوه در بستر طبیعی خود معنا گرفته و باید از عوامل کاهنده این حس چون ساخت و سازهای نابجا، تزیین و اعمال سلیقه های گوناگون در آن جلوگیری کرد.

۶.۱.۵. گرایش ها، نگرش و باورهای ذاتی و اسطوره ای**مردم**

ایرانیان باستان و نیاکان ما ذاتاً طبیعت گرا بودند و این تفکر همچنان در ذهنیت و ضمیر باطنی آن ها جای دارد. در آیین هایی چون اسلام نیز طبیعت بسیار تکریم شده و انسان را هم به تفکر، شناخت و سیر در آن فرامی خواند. انسان همواره برای رفع نیازهایش و کسب سودهای فراوان مادی

۷.۱.۵. مهیا بودن شرایط مناسب حضور و تعامل با**کوه‌ریگ مهریز**

به‌رغم کشش کوه‌ریگ، این پدیده که در منطقه گرمسیری است آمادگی حضور مردم را در آغوش و بستر خود داشته است. موقعیت کوه‌ریگ، و هم کوه مجاور، مکان تجمع ریگ‌ها را در سایه و شرایط مطلوب قرار می‌دهد (شکل ۳). این حسن طبیعی باعث می‌شود تا از داغی و سوزاندگی ریگ‌ها کاسته شود و درجه حرارت آن، به حد بسیار مطلوبی برسد. از طرفی دیگر، در قدیم، در راستای مسیر منتهی به کوه‌ریگ، مناظر سایه‌انداز باغی و کشاورزی گسترش بیشتری داشته است.



شکل ۳. نمایش کوه‌ریگ از بدنه جانبی ۱۳۹۳.

مأخذ: نگارنده

شده؛ که در قبال عرضه خدمات و ارتقای بسیار ضعیف کیفیت به محیط، بوده است. این تغییرات ساماندهی و توسعه‌ای نه تنها مثمر ثمر نبوده، بلکه، به هویت، کیفیت محیط و منظر آن آسیبی بسیار جدی‌تر وارد کرده است. عدم برنامه‌ریزی، مطالعه صحیح بدون درک هویت و ظرفیت‌شناسی این ژئوتوپ و در نتیجه عدم مداخله، طراحی نامناسب و سوء مدیریت، علت بروز چنین تغییرات و آسیب‌هایی است. پیامدهای منفی برخی تغییرات و اقدامات کالبدی نیز، آسیب‌هایی چندجانبه و زنجیرواری در منظر کوه‌ریگ دارد؛ که به دو مثال اشاره شده است (جدول ۳).

و معنوی، به طبیعت پناه آورده است. در نتیجه، پیدایش چنین مناظر آیینی و فرهنگی‌ای در بستر طبیعت و کوه به‌عنوان یکی از مظاهر مهم است و امتدادش تا کنون امری غیرقابل اغماض و روشن است. این رویکرد مردم در طبیعت، که جایگاه خدایان و به تعبیری آیه‌ای از اوست، معنا پیدا کرده؛ و از دوران باستان تا کنون، مردم به ادراک جنبه‌های مختلف آن آگاهی پیدا کردند. گرچه برخی مردم امروزه، باکم‌رنگ شدن اعتقادات معنوی و خرافه خواندن برخی موضوعات، به انکار این مناظر آیینی می‌پردازند؛ اما به هر حال در بازه‌های زمانی مختلف، در اثر سودهای عاید شده و برخی ادراکات شهودی در این اماکن، باز به سمت آن‌ها گرایش دارند، و سعی در بهره‌وری و تعامل با آن را دارند.

۲.۵. یافته‌های مربوط به سؤال دوم نشانه‌های**منظرین وجود منظر آیینی - فرهنگی در کوه‌ریگ****مهریز چیست؟**

به غیر از وجود عوامل زمینه‌ای پیدایش منظر فرهنگی و عناصر اصلی ژئوتوپ‌های ماندگار، وجود دلایلی در کوه‌ریگ نشان از وجود منظر آیینی - فرهنگی در آن است (جدول ۲). در (شکل ۴) نیز، سیر تکامل منظر کوه‌ریگ و جایگاه فعلی آن مشخص گردیده است.

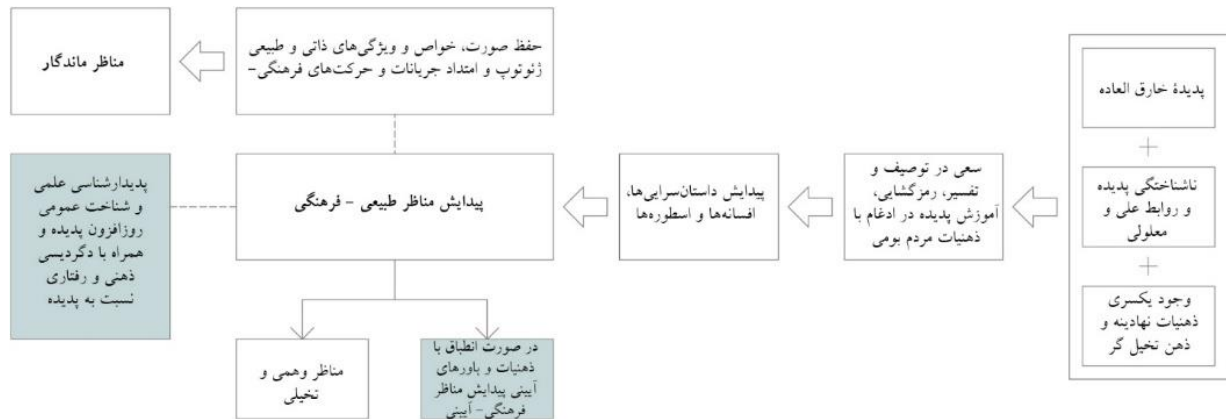
۳.۵. یافته‌های مربوط به سؤال سوم: چه معیارهایی**در نحوه مداخلات و توسعه کیفی منظر کوه‌ریگ****مهریز، می‌توان ارائه داد؟**

مداخلات و تغییراتی آسیب‌زننده در منظر کوه‌ریگ ایجاد

جدول ۲. نشانه‌های منظرین وجود منظر آیینی- فرهنگی در کوه‌ریگ مهریز^{۱۱}

نشانه‌های منظرین	شرح و اثبات نشانه‌های منظر آیینی- فرهنگی
وجود اسطوره‌ها، داستان‌های تخیلی و اعتقادات تقدسی مردم به کوه‌ریگ همراه با نشانه‌های کالبدی	چهره‌های خیال‌برانگیز فرسایش بادی و ذهنیت و باورهای ساکنین موجب شکل‌گیری یک سری داستان‌های خیالی و اسطوره‌ای شده است. مانند کوه هم‌جواری که در حریم کوه‌ریگ، به نام اشتر خرما ۹ قرار دارد. آثار معماری‌ای، همچون برج کبوترخانه و مسجد هم در کوه‌ریگ و حریم پایین‌دست آن وجود دارد که در قبال ادای نذر و استجاب حاجت، بنا شده‌اند. زیرا در باور مردم این مکان دارای کراماتی آیینی است.
زنانه بودن محیط در نقاط عطف نیایشی کوه	زنانه بودن مناظر آیینی یکی از نشانه‌های قدمت عبادت و نیایش آنهاست است. روشن کردن شمع در مکان غاری شکل کوه توسط زنان و توسل جستن به حضرت فاطمه برای رفع حوائج، گواهی این پیشینه است؛ که با آیین و باورهای امروز مردم مطابقت یافته است. آنهاست که الهه آب‌های جهان بوده امروز قداست آن آب‌ها به نام مهریه حضرت زهرا دگرذیسی پیدا کرده است.
روشن کردن شمع در مکان نیایش	آتش در گذشته نزد اکثر اقوام و ادیان، مقدس و ستودنی بوده است (صادقیان و عظیمی، ۱۳۸۶). به سبب چنین تفکر و جایگاهی، در اماکن مقدس به‌خصوص قربانگاه‌ها و نیایشگاه‌ها، آتش یا شمع روشن می‌کردند (معین، ۱۳۷۱). در کیش مزدیسنا، نیز آتش سمبلی از وجود نور و اهورامزدا در زمین بوده است؛ که در حکم قبله‌گاه، زرتشتیان به سوی آن به دعا و نیایش می‌پرداختند (پوردادوود، ۱۳۸۱ و ۱۳۷۸). به غیر از کارکرد سمبولیک آیینی، روشن کردن شمع و آتش؛ از حیث روانی و فیزیولوژی بر انسان اثر مثبت دارد. نیروی آتش یا شمع، حالت آرام‌بخشی دارد و حتی در افزایش الهام و نبوغ انسان هم مؤثر است (هاشمی، ۱۳۹۴). به‌طوری‌که در گذشته با نگاه به آن حوادث آینده را پیش‌گویی می‌کردند (پوردادوود، ۱۳۷۸) و امروز هم در درمان روانی از آن استفاده می‌کنند (هاشمی، ۱۳۹۴). افزایش تمرکز به‌منظور آگاهی در عبادت، باعث رسوخ آن در قلب و حقیقت انسان می‌شود (قادری‌پاکدل، ۱۳۹۱). روشن کردن شمع در هنگام انجام فرایض عبادی، تاریخی-آیینی و فرهنگی که در شیار کوه‌ریگ صورت می‌گیرد (شکل ۲) در هر زمان با معنایی از این‌دست، صورت می‌گرفته است.
هم‌جواری باغات و مزارع پایین‌دست با مکان نیایش	باغ‌ها و مزارع پایین‌دست کوه‌ریگ از نشانه‌های تاریخی دیگر است؛ زیرا ترکیب منظر تقدس یافته و با کرامات خاص، به عناصر طبیعی، در جوار باغ‌ها و مزارع نشانه توسل جستن مردم به این نیایشگاه‌ها است. مردم در این نیایشگاه‌ها به خدایان و قدیسان متوسل می‌شدند تا روزی و محصولشان رونق یابد و بلایای طبیعی از آنان دفع شود.
ادای نذر و قربانی در محیط	انجام فریضه پرداخت قربانی و نذر به درگاه خدایان و محضر قدیسان، و توسل به آنان، از دوران باستان تا کنون در بین مردم مرسوم بوده است. این فریضه بارها در اوستا بدان اشاره شده است. هرودوت هم درباره عبادت پارسیان آورده است که، آنان در کوه برای خورشید، ماه، زمین، آتش، باد و زئوس (خدایان) قربانی می‌دهند (قرشی، ۱۳۸۰). این رسم آیینی در کوه‌ریگ نیز با وجود کم‌رنگ‌تر شدن، همچنان پابرجا مانده و شاهد رفتارهایی چون پخت آش در کنار آب‌انبار (واقع در جلوی کوه‌ریگ) و ساخت برخی عناصر معماری در این مکان با ذهنیت ادای نذر هستیم.
انجام فرایض دینی و عبادی به صورت جمعی	این مکان چون در ذهنیت و باور مردم از هویتی آیینی برخوردار بوده، امروزه نیز این رفتار آیینی با معنایی دیگر همچنان ادامه دارد. مثل حضور افراد، به‌خصوص در روزهای خاص، در شکاف واقع در کوه‌ریگ (شکل ۳) و دعا و نیایش ^{۱۱} ، خواندن دعای عرفه در محوطه پایین‌دست کوه‌ریگ و ...

(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۴)



شکل ۴. مدل سیر تکامل تفسیر و تعاملات انسانی، با ژئوتوپ‌ها و مناظر خارق العاده طبیعی؛ همچنین تعیین جایگاه فعلی کوه‌ریگ در آن

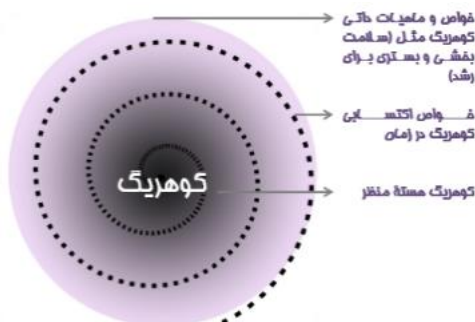
جدول ۳. پیامدهای منفی برخی تغییرات و اقدامات کالبدی و آسیب‌های چندجانبه و زنجیرواری آن در منظر کوه‌ریگ

مثال	نمود عملکرد	تصاویر و توضیحات
۱. نگاه ابژکتیو و جدا دیدن کالبد از معنا و بعد غیرکالبدی آن، یا تغییرات ناگهانی در کالبد و معنا	ساخت مسجد در کنار شکاف واقع در دامنه کوه‌ریگ (شکل ۲)؛ که هم باعث انقطاع و تغییر ناگهانی در حرکت رفتاری آیینی و فرهنگی مردم بوده و هم در ادراک بصری و ذهنی منظر کوه‌ریگ خلل و آسیب وارد کرده است (شکل ۵).	<p>مداخلات اصولی مداخلات غیراصولی کمتر مداخلات غیراصولی بیشتر</p>
۲. گسست عوامل کمی و کیفی در منظر کوه‌ریگ؛ پیامدهای گسست منظر به خرد مقیاس شدن آن و ایجاد اختلال در ابعاد بصری، کارکردی و ادراکی منجر می‌شود (اکبریان ۱۳۹۲)؛ که حتی در مجموع، بر هویت محیط هم اثر سوء دارند.	اعمال تغییرات سلیقه‌ای و عدم طراحی مناسب محیط؛ باعث جدا دیده شدن نقاط عطف محوطه و ارتباطات آن‌ها از هم شده که، آسیب‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... بر محیط وارد کرده است (شکل ۶).	

(مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۴)

اقدام بر اساس این معیارها و دوری از نگاه ابژکتیو به منظر ژئوتوپ کوه‌ریگ، کیفیت و مطلوبیت فضایی را به ارمغان می‌آورند.

به‌طور کلی برای ارتقای کیفی محیط کوه‌ریگ، به عنایت به مدل ژئوتوپ‌های ماندگار، مدنظر قرار دادن چهارمعیار اصلی زیر (شکل ۵)، برای طراحی و ساماندهی کوه‌ریگ، از نیازهای اساسی و بنیادین است. عملکرد و



شکل ۷. مدل پیشنهادی به منظور کیفیت بخشی و مطلوب سازی کوهریگ مهریز

مأخذ: نگارنده

۶. نتیجه گیری

اغلب پدیده‌های خارق‌العاده به علت عدم شناخت علمی آن و در امتزاج ذهنیات مردمی، در جوامع باستانی، به حالت داستان‌سرایی، افسانه و اسطوره، در بین مردم بازنمایی و رواج یافتند. بنابراین، حالت خاص یک پدیده، عامل شکل‌گیری باورهای غریب، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و عقاید گوناگون، و سرآغاز ارتباط و شناخت پدیده‌های خارق‌العاده طبیعی، است. به تعبیری حالت و ماهیت خاص یک مکان، در امتزاج ذهنیات و تخیلات مردمی، دو مؤلفه اصلی در پیدایش داستان‌سرایی‌ها، باورهای غریب و افسانه‌ها هستند. جوهره جذب و تحریک مردم در ژئوتوپ‌ها، درک و تأثیر ویژگی‌های خاص ماده و سودهایی است که انسان‌ها در ارتباط و تعامل با آن‌ها به دست می‌آورند. مردم با انگیزه‌ها، بینش‌ها و ادراکات خود، نسبت به ژئوتوپ‌ها و مناظر فرازمینی گرایش دارند و با آن‌ها تعامل می‌کنند و به مرور پیوند میان آن‌ها با این مناظر بیشتر می‌شود و بعضاً مداخلاتی در آن‌ها صورت می‌گیرد. فرهنگ‌ها و باورهای شکل یافته از این مناظر، بعضاً صرفاً در قالب یک افسانه؛ و بعضی دیگر از یکسری ریشه‌های اعتقادی، آیینی و علمی برخوردارند. یعنی، هسته شکل‌گیری این باورها و فرهنگ‌ها، از همان ویژگی‌های خاص کالبدی و غیرکالبدی و تأثیرات محسوس و نامحسوس این مناظر نشئت می‌گیرد، که مردم برخی را درک کردند یا بدان‌ها آگاهی یافتند. این باورها و

- حفاظت از کوهریگ هسته مرکزی منظر و فرصت‌ها، ضمن بهره‌برداری و پاسخ‌دهی به نیازهای مختلف انسانی؛
- شناخت ظرفیت‌ها، استعدادها و ماهیت‌های ذاتی کوهریگ، به منظور بهره‌برداری از آن‌ها؛
- امتداد خصلت‌های اکتسابی (مثل منظر فرهنگی کوهریگ) و دگرگونی‌های طبیعی به روال ارگانیک، و حذف مداخلات نابجا، موانع انقطاع و گسست محیطی ایجاد شده؛
همان‌طور که در مقاله‌ای از هانس یورگ کوستر هم آمده؛ برای حفاظت محیط طبیعی، نباید از یک وضعیت محافظت کرد؛ بلکه نباید مداخله‌ای در دگرگونی‌های طبیعی ایجاد کرد (۲۰۰۸). در واقع این اصل در این‌گونه محیط‌های طبیعی، برای رفتارها و ذهنیات و احساسات طبیعی و ارگانیک مردمی هم صدق می‌کند و هرکس باید به نحوی، اجازه برقراری ارتباط را نسبت به شرایط درونی خود و محیط، در زمان‌های مختلف داشته باشد.
- گسترش و پیوند کالبدی، معنایی و هویتی با زمینه؛ کالبدی (مثل طبیعت با مجموعه شهری)، معنایی (مثل مناظر و ابعاد انسانی با طبیعت) و هویتی (مثل کوهریگ با منظر زمینه، بستر و هویت‌هایی چون خاطرات، موقعیت نظرگاهی و نشانه شهری بودنش و...)
آنچه در مداخلات و طرح حاضر نظاره می‌شود، عدم توجه به اغلب قریب به اتفاق این عوامل، و حتی عملکردی خلاف این معیارها، است.

انسانی، دچار آسیب‌های تهدیدکننده‌ای در ماندگاری آن شده است. در نتیجه برای حفظ این مناظر از عوامل انسانی، باید، هم از لحاظ کالبدی و هم غیرکالبدی، مؤلفه‌های ماندگاری آن‌ها بقا یابند.

۷. پیشنهادها

برای ارتقای کیفی این گونه محیط‌ها و کوه‌ریگ، نیز به‌رغم شناخت علمی و منظرین موردی آن‌ها، از تغییرات ناآگاهانه، سودجویانه و سوءمدیریتی و حفاظتی اجتناب شود. در راستای شناخت بیشتر و تحقق اهداف مطالعات منظرین بر ژئوتوپ‌ها و مناظر خاص توصیه می‌شود تحقیقات گسترده‌ای روی آن‌ها در حوزه‌های شهری و غیرشهری و همچنین کشف تأثیرات علمی برخی از این پدیده‌ها بر انسان صورت گیرد؛ زیرا هم گره‌گشای بسیاری از چرایی‌ها در روابط آن‌ها با انسان است و هم تأمین‌کننده اساس بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها محیطی است. چنانچه طی نتایج برآمده از تحقیقات صورت گرفته می‌توان کوه‌ریگ را منظر فرهنگی (آیینی و افسانه‌ای) - طبیعی، سلامت‌ساز، پالایشگر و پرورش‌دهنده معرفی کرد. در اینجا به چند مورد از اقدامات لازم برای ارتقای کیفی محیط کوه‌ریگ مهرباز اشاره شده:

- تعیین حریم‌های بصری و نقاط عطف کالبدی، غیرکالبدی و فعالیتی و رفتاری مؤثر مردم در منظر فرهنگی - آیینی مکان و جلوگیری از دست‌کاری و ساخت‌وسازهای نابجا در کوه‌ریگ.

- جلوگیری از تعیین حریم محسوس در پای‌کوه و در عین حال جلوگیری از دسترسی ساده و آزاد مردم برای جلوگیری از برداشت ریگ‌های کوه (به دلایل تأثیرات نامطلوب بصری، روانی و ذهنی افراد در توزیع جمعیتی و گروه‌های سنی استفاده‌کننده، حفظ سلامت کالبدی محیط، و ...).

- افزایش پیوند و گسترش درگیری بیشتر مردم با کوه‌ریگ و گسترش توپوگرافی ریگی در پای‌کوه؛ به‌منظور

فرهنگ‌های شکل‌گرفته، به‌مرورزمان با تحولات فکری و نگرش مردمان توأم شده و اغلب با حفظ ظواهر عملکردی و رفتاری مردم، در محتوا دگردیسی‌هایی پیدا می‌کرده. علاوه بر این تحولات نگرشی، با رشد علمی و شناخت پدیده‌ها، گاهی نیز تغییرات رفتاری و محتوایی، ایجاد می‌شود که گاهی در رفتار و روابط ایجاد شده، فصل مشترکی وجود دارد. در مجموع فصل مشترک این رابطه‌ها و نقطه پیوند و اتکای تمامی آن‌ها، از همان تأثیرات ژئوتوپ منشعب می‌شود. این همان رویه‌ای است که درباره کوه‌ریگ به وقوع پیوسته است. تعاملات مردم با کوه‌ریگ و حضور در آن، قبلاً بیشتر با تفاسیر آیینی و باوری جامعه عجین بوده؛ اما امروزه با تفاسیر علمی یا درک شخصی مثبت تطبیق یافته با نیاز درونی و احساس خوشایندی آنان، توجیه و معنا شده است. در مجموع این گونه ژئوتوپ‌ها و مناظر منحصر، همراه با تعاملات مردم به مناظر ماندگار در اذهان مردم مبدل خواهند شد؛ که در نزد ساکنان هویت ویژه‌ای دارند و آینه‌ای از فرهنگ مردم باستان آن ملت‌اند. لزوم حفظ این داستان‌سرایی‌ها و اسطوره‌ها که نخستین نمود فرهنگی تعامل با این مناظر خاص است؛ از جنبه تفهیم، ادراک بهتر موضوع، شناخت روزافزون تأثیرات و رمزگشایی بیش‌تر مباحث علمی و ریشه‌های فرهنگی - هویتی، در باب این پدیده‌ها، نیز بسیار حائز اهمیت و ارزشمندند. از طرفی، شناخت و حفظ منابع طبیعی، (به‌خصوص در انواع خاص آن) نقش بسزایی در سلامت محیط‌زیست و بهره‌وری صحیح آن دارد. هویت منحصر منظر کوه‌ریگ، توأم با تعاملات آیینی - فرهنگی مردم، آن را به یک منظر ماندگار مبدل ساخته است. نسبت ماندگاری یک اثر، ارتباط مستقیمی با تأثیرگذاری خصوصیات خاص ذاتی (کالبدی و غیرکالبدی) اثر؛ و نوع و میزان تعاملات ذهنی - عینی مردم، با آن دارد. کوه‌ریگ دارای معیارهایی است که آن اثر را در جایگاه ژئوتوپی ماندگار و بی‌نظیر، قرار داده است؛ که امروزه منظر این اثر طبیعی و محوطه آن، بر اثر مداخلات

انسان، تقریباً هر کدام از آن‌ها منحصر و خاص شده‌اند. اما در این پروژه بیشتر نام کوه‌ریگ به صورت «کوه‌ریگ» نوشته شده، که اشاره به مکان خاص هدف، یعنی نمونه دارد. مردم محلی نام این مکان هدف را که در مهریز واقع شده، به نام اسم خاص خود این پدیده خواندند که به همین نام شهرت یافته و در حاشیه شهری واقع شده است. ۷. این دو مورد، در زمره معیارهای مربوط به مراحل حفاظت و انتخاب مکان‌های منحصر زمین‌شناختی است که بخشی از این مبحث را در خود جای داده است.

۸. برخی از شبکه‌های باوری، معنایی و ذهنی مثبت نسبت به کوه‌ریگ برآمده از مصاحبات و گفتگوهای مردمی و ادراک در تجربه محیطی:

تسکین دهنده جسم و خیال، آرامش‌بخش و آرامش‌دهنده، راحتی و سبک شدن، متفاوت از بیرون، القای نیروی مثبت و تخلیه امواج منفی بدن، فرصت و مکان تأمل، معنویت، مکان مقدس و آیینی، تجلی قدرت خدا و درک شهودی، افزایش‌دهنده قوای فکری و تمرکز، شادی بخش، شورانگیز و هیجان‌انگیز، روحبخش، درمانگر بیماری، تقویت‌کننده عضلات، پیشگیری‌کننده بیماری، نظرگاه شهر و مناظر زیبای باغی پایین‌دست و طبیعت، نشانه طبیعی شهر و هویت مهریز، محرک در ورزش و تفریح، مکان جذاب کوهنوردی همراه با فرصت‌های مکث و تماشا (این مورد بخش فیر ریگی کوه‌ریگ را نیز دربر می‌گیرد)، متفاوت، سفید و ملایم، ایجاد‌کننده فرصت، منظر جذاب و خیالی، مکان اسطوره‌ای و نمادهای آیینی، طبیعت خارق‌العاده، شلوغ و پرهیجان، آرام و باصفا، راحتی و بی‌عبایی در فضای شهری، شادی و نشاط جمعی، دوست‌دار کودک، بزم دوستانه و همنشینی دوستانه، محل ملاقات، مکانی اکوتوریستی، متصل به خاطرات و اذهان مردم، محل تجمعات مردمی و تعاملاتشان، حیات زنده طبیعت در شهر و ...

۹. کوه اشترخرما نامی است که بر کوه مجاور کوه‌ریگ نهادند. شکل ظاهری و مورفولوژی این کوه، به شکل

گسترش و تقویت امکان فعالیت‌ها و بازی‌های طبیعی و انتخابی متناسب با روحیه، توانایی و سن اشخاص، و همچنین ماهیت و خواص کوه، ریگ و کوه‌ریگ).

- تنظیم جمعیت رجوع‌کننده در زمان‌های مختلف (مثلاً با ایجاد جذابیت‌های دیگر در پایین‌دست کوه و گسترش محوطه‌سازی طبیعی به حالت ریگی در پای کوه)؛ کشش جمعیت در پایین‌دست کوه در زمان تجمع افراد به منظور توزیع جمعیت و جلوگیری هجوم یک‌باره افراد در کوه و کاهش سرعت فرسایش ریگ‌ها؛ و از سویی تأمین حس امنیت اجتماعی در زمان‌های خالی از حضور.

یادداشت

1. Eco Tourism

۲. Geotourism: پدیده‌های زمین‌شناختی و شکلی از توریسم فرهنگی محیطی (Cultural_Environmenttal) معطوف به حس ماجراجویی است که تجربیات ناشی از تحقیق در مواریت طبیعی بدان اعتبار بخشیده است. (www.Alternativegreece.gr)

3. Agro Tourism

4. Archaeological Tourism

۵. ژئوتوپ (Geotop): به مناطقی اطلاق می‌شود که دارای مواریت فرهنگی - طبیعت و امان است و میراث‌های زمین‌شناسی تاریخی در این مناطق، شواهد غیرقابل انکار تحول حیات در کره زمین مانند آتشفشان‌ها، غارها، دره‌ها، مناطق فسیل‌دار ریفت‌های بزرگ زمین‌شناسی، معاد قدیمی یا تشکیلات و چشم‌اندازهای اسکنه قدیمی به‌شمار می‌آید. این مناطق دارای اهمیت علمی و زیباشناختی بوده و مورد توجه ژئوتوریست‌ها، گردشگران و دانشمندان محیط‌شناس و علاقه‌مند به مسائل تاریخ طبیعی است (www.Alternativegreece.gr). به‌طورکلی همان پدیده‌های زمین‌شناختی منحصر و ویژه‌اند که آثار و مواریت طبیعی موجود در آن، بیانگر نحوه تاریخ تحول در آن منطقه است (رامشت، ۱۳۸۸: ۵۰).

۶. کوه‌ریگ‌ها پدیده‌های زمین هستند که در کمتر مکان‌هایی از زمین یافت می‌شوند. این آثار، به علت موقعیت‌های مختلف مکانی و بعضاً تعامل تاریخی با

عالی هنر و جایگاه طبیعت در پیوند با فرهنگ و آیین مردم
۱۲. البته مداخلات نابجایی چون ساخت مسجد در این
حریم نیایشی، باعث انقطاع چنین رفتار آیینی و فرهنگی در
این مکان شده است.
۱۳. بخشی از مطالعات میدانی تحقیق برگرفته از مصاحبات
حضور با افراد قابل اعتماد محلی و مراجعان محلی
صورت گرفته است.

شتری بار خرما است؛ که به همراه اعتقادات محلی و
داستان‌سرایی آن‌ها، به این نام شهرت یافته است.
۱۰. عطار در منظومه منطق الطیر خود این سفر عرفانی را با
عنوان «هفت شهر عشق در قالب داستان سفر صد مرغ» که
در نهایت به سی مرغ می‌رسند، به شکل زیبایی توصیف
کرده است.
۱۱. بر اساس مقالات، مصاحبات حضوری و مردمی و
راهنمایی‌های دکتر شهره جوادی محقق در زمینه مطالعات

منابع

- ابراهیمی، م. ۱۳۸۹. نقد اسطوره شناختی دیوها و موجودات ماورایی در داستان سلیم جواهری، فصلنامه نقد ادبی، ۱۱ و ۱۲: ۵۷-۸۶.
اسماعیلپور، آ. ۱۳۸۲. زیر آسمانه‌های نور، انتشارات افکار، تهران.
اکبریان، م. ۱۳۹۲. شاخص‌های گسست منظر، مجله منظر، ۵ (۲۲): ۲۶-۲۹.
الهامی، ف. ۱۳۸۶. انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی، بیک نو، ۵ (۳): ۱۰۴-۱۱۵.
الیاده، م. ۱۳۷۲. رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران.
پوردادوود، آ. ۱۳۸۷. یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، انتشارات اساطیر، تهران.
پوردادوود، آ. ۱۳۸۱. ویسپرد (آفرین پیغمبر، آتش، هفت کشور، سوگندنامه)، انتشارات اساطیر، تهران.
ترقی، گ. ۱۳۷۰. نقد و نظر: میرچالیا و هستی‌شناسی آغازین، کلک، ۱۷: ۴۱-۵۴.
ثروتی، م. ر. و قاسمی، ا. ۱۳۸۷. راهبردهای ژئوتوریسم در استان فارس، مجله فضای جغرافیایی، ۱۰ (۲۴): ۲۳-۵۰.
حاج علیلو، ب. و نکویی‌صدر، ب. ۱۳۹۰. ژئوتوریسم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
کوستر، ه. ۲۰۰۸. منظر، منظر طبیعی، منظر فرهنگی، ترجمه درودیان، سیاوش، ۱۳۹۴، مجله منظر، ۷ (۳۲): ۸۲-۸۶.
رامشت، م. نوجوان، م. و میرحسینی، س. آ. ۱۳۸۸. ژئوتوپ‌های یزد و جاذبه‌های آن، جغرافیا و توسعه، ۷ (۱۳): ۴۷-۶۰.
راوندی، م. ۱۳۵۶. تاریخ اجتماعی ایران، ۲ جلدی، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
زرین‌کوب، ع. ۱۳۷۴. پیرگنچه در جست‌وجوی ناکجاآباد، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران.
زرین‌کوب، ع. ۱۳۸۲. جستجو در اصول و روش‌ها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات
امیرکبیر، تهران.
شریفی‌بیچون، م. و دهقان، ف. ۱۳۹۵. ارزیابی فرایندهای مؤثر بر شکل‌گیری و تحول کوه‌ریگ‌ها (مورد مطالعه: کوه‌ریگ‌های تنگ چنار).
مجله پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی. ۵ (۲): ۱-۱۹.

- صادقیان، م. و عظیمی پانچشمه، آ. ۱۳۸۶. بازتاب عقاید و تعالیم مزدیسنا در منظومه ویس و رامین، مجله مطالعات ایرانی، ۶(۱۲): ۵۶.
- عفیفی، رحیم. ۱۳۷۴. اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پلوی، چاپ اول، انتشارات توس، تهران.
- علمی، ق. ۱۳۹۳. الیاده و هستی‌شناسی مقدس، فصلنامه پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۳(۵): ۱-۲۱.
- قادری‌پاکدل، ف. و فیروزی، ر. ۱۳۹۱. بررسی نقش عادت‌های آگاهانه در انجام فرایض دینی (پایه‌های قرآنی) زیستی و شناختی به مثابه سبکی از زندگی، نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۱(۱): ۴۵-۶۲.
- قرشی، آ. ۱۳۸۰. آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی، انتشارات هرمس، تهران.
- وایفایوسولا، ا. و گی، ج. ۱۳۹۰. جهانگردی در چشم‌اندازی جامع، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، چاپ چهارم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- مدبری، م. و جعفری کمانگیر، ف. ۱۳۸۳. نقش و کارکردهای اساطیری کوه در شاهنامه فردوسی، مجله مطالعات ایرانی، ۳(۵): ۱۰۶-۱۱۰.
- مختاری، م. ۱۳۷۹. اسطوره زال، انتشارات توس، تهران.
- مسکوب، ش. ۱۳۵۷. سوگ سیاوش، انتشارات خوارزمی، تهران.
- معین، م. ۱۳۷۱. آیین آریاییان پیش از ظهور زرتشت، ۲(۸): ۴۴-۴۹.
- وثیق‌زاده، ح. ۱۳۹۴. سلامت روان چگونه بر سلامت جسم اثر می‌گذارد، <http://rasekhoon.net/article/show/1010789/> (دسترسی در ۱۳۹۵/۰۵/۱۰)
- مهرشاهی، د. ۱۳۷۹. آشنایی عمومی با پدیده «کوه‌ریگ» و پراکندگی جغرافیایی و اهمیت ریگ‌های استان یزد، کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، ۱: ۱۱۱-۱۲۰.
- مهرشاهی، د. ۱۳۹۰. کوه‌ریگ شناسی مطالعات موردی در استان یزد، جغرافیا و توسعه، ۹(۲۵): ۱۵۹-۱۷۸.
- مقصودی، م. نکویی‌صدر، ب. ۱۳۸۶. ژئوتوریسم دریچه‌ای نو به سوی توسعه صنعت گردشگری ایران، پژوهش‌های مشاوره، ۶۴: ۶۱-۶۴.
- منوچهری کوشا، ح. ۱۳۹۱. اساطیر و افسانه‌ها در تاریخ باستان، چکیده، پیشگفتار و پیشینه تحقیق (بنوادا - ۱)، <http://myth.tarikhema.org/article/> (دسترسی در ۱۳۹۵/۰۵/۱۵)
- ناصر، م. ۱۳۵۷. ردپایی در کوره راه خرافات. «مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد»، ۱۴ (۱): ۱۷۶-۲۰۲.
- هاشمی، ح. ۱۳۹۴. رازهای نهفته در شمع، www.aram24.ir، (دسترسی در ۱۳۹۴/۰۳/۲۳)
- یاحقی، م. ۱۳۶۹. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و انتشارات سروش، تهران.
- یعقوبی‌جامی، س. ۱۳۸۹. اساطیر و معماری کهن (بزرگنمایی نمادهای کهن و پیوند آن با اساطیر)، انتشارات دستور، تهران.

Bansal, P.D. Arnold, J. Elberg, M.A., Kalda, J. Soesoo, A. and Van Milligen, B.P. 2004. Melt extraction and accumulation from partially molten rocks, *Lithos*, (78): 25-42.

Eastwood, M.R. and Trevelyan, M.H. 1972. Relationship between physical and psychiatric disorder, *Psychological Medicine*, (2): 363-372.

Eliade, M. 1963. *Myth and Reality*, tr. W.R. Trask. New York: Harper Torch books, 5-6

Thomas A, Hose. 2014. Towards a history of geotourism: definitions, antecedents and the future, own loaded rom <http://sp.lyellcollection.org/> at Mount Royal University on August 25. 2014

Law, C. 2002. *Urban Tourism*, Continuum.